

تبلیغ مسیحیت، دستاوردها و آسیب‌ها در دوران مدرن

احسان غنی‌فر^۱

محمد رضا عدلی^۲

بخشعلی قنبری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

چکیده

دین مسیحیت از قرون وسطی تا دوران مدرن، بزرگترین جامعه مومنان جهان را دارد و اهدافی فرامرزی و بینافرهنگی را دنبال می‌کند. یکی از دلایل این گسترده‌گی، استفاده از روش‌های متنوع تبلیغ دین در طول قرون و ملازم با فراز و فرودهای تاریخی بوده است. ماموریت تبلیغ دین مسیح یا میسیون نیز کارکردهای مختلفی یافته و نزد ملل دنیا به صور متفاوتی شناخته شده است. نقش مبلغان دینی مسیحیت در گذر از مرزها و رساندن پیام عیسی تا چه حد در جهانی شدن آن موثر است؟ رویدادنگاری تاریخی، گاهی میسیونری را احیاگر امپریالیسم، متعصب و در پی گفتمان سلطه جویانه نشان می‌دهد اما در آن سوی این باور، تلاش‌گرانی از جان‌گذشته با توانائی بالا در ایجاد ارتباطات انسانی و پاسخگوئی به شبهات و نقدهای افراطی، بدون چشمداشت مادی و دنیوی و حتی گاهی آغازگر جریان‌های مهم تاریخی قرار دارند. در جهت روشن‌گری بیشتر راجع به نقش مبلغان مسیحی، روش این مقاله توصیف و تحلیل نقش آنان در رشد ناسیونالیسم، مخالفت با نظام برده‌داری، حفظ محیط زیست و تشکیل شبکه‌های جهانی است که ترسیم رویکردی پویا و مقاوم از تبلیغ دین بوده و تبلور آن نیز در دفاع از اصل حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود مشهود است. جستجو در روش‌های تبلیغ ادیان، بستر طراحی مدل‌های جدید در تبلیغ دین را فراهم خواهد آورد.

کلید واژه‌ها: مسیحیت، میسیونر، استعمار، جهانی شدن، تبلیغ

^۱ دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

e_ghanifar@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Moh.Adli@iauctb.ac.ir

^۳ دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ghanbari768@yahoo.com

چگونه دین مسیحیت تا این حد متنوع و جهان‌گستر شد؟ این دین در حال حاضر بیشترین تعداد پیروان در جهان را دارد. جایجائی دین مسیحیت از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر از طریق فعالیت‌های بی وقفه مبلغان دینی، یکی از عوامل این گسترده‌گی بوده که با مفهوم میسیون یا تبلیغ دینی توصیف می‌گردد. واژه میسیون در مجموعه لغات انجیل یونانی، معادل معنای رساندن (Sending) آمده و در عهد جدید نیز ۲۰۶ بار به مفهوم میسیون اشاره شده است. (لوقا، ۱: ۱۰-۱۲) و (متی، ۲۰-۱۹: ۲۸). فعل اصلی در زبان یونانی برای معنای رساندن، کلمه آپوستلین (Apostellein) است. بنابراین رسولان (Apostles) به طور تحت‌اللفظی، آنهایی بودند که برای گسترش، نشر و رساندن اخبار خوش (Good News) از زندگی و همین‌طور بشارت پیام عیسی مسیح به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند. (Robert, p.3, 2009) مسیحیت نیز مثل دین اسلام، دینی تبلیغی است. در ساختار فلسفی این دین، ایده جهانی شدن وجود دارد، یعنی این که پیام آن در مورد عیسی مسیح باید با همه مردم به اشتراک گذاشته شود. متون مقدس مسیح، انجیل‌ها، شامل اسناد مربوط به تبلیغ دین است که پیروان عیسی را اینگونه خطاب می‌کند تا به همه دنیا سفر کنند. (متی ۲۸: ۱۹) سوال این است که چگونه این دین با چنین وسعتی در جهان مورد پذیرش قرار گرفته؟ رویکرد نوین این نوشتار، ایجاد تنوع در روش‌های ارتباطی، پی‌گیری اهداف بشردوستانه و البته پیوستن به شبکه‌های جهانی از طریق تدبیر مبلغان مسیحی بوده است. در تاریخ دو هزار ساله مسیحیت، شاهد هزاران مثال از اعزام داوطلبانه مسیحیان و یا ورود بی‌تکلف آنها به مرزهای جغرافیائی یا فرهنگی هستیم که منجر به جذب گروه‌های جدید مومنان به این دین شد. تاریخ تبلیغ دین مسیحیت و به طور خاص تاریخ تبلیغ کلیسا، چهارچوب مفیدی برای فهم معنای این دین، به عنوان یک دین چند فرهنگی و جهانی شده در دنیای امروز، فراهم نموده و این دستاورد حاصل نمی‌گشت مگر به تلاش جسورانه و بدون وقفه میسیونرها. آنچه در این پژوهش مدنظر است اینکه، اگرچه بعضی از مورخان، میسیونرها را متهم به اقداماتی نظیر یافتن ضعف‌های ملت‌ها و تحمیل عقاید و باورشان به آنان در مراحل حساس تاریخی تحت پوشش کمک‌های به ظاهر بشردوستانه یا احیای روند امپریالیسم فرهنگی و حتی تعصب می‌کنند، به طوری که حتی در میانه سال ۱۹۶۰ میلادی، به موضوع تبلیغ مسیحیت به عنوان نوعی گفتمان سلطه‌جویانه در حوزه‌های فرهنگ و اقتصاد نگریسته می‌شد. (Robert, p.20, 2009) اما با این وجود، کم نیستند مواردی که این مبلغان دینی با ارائه خدمات مختلف اجتماعی نظیر بهداشت، پزشکی، اکتشاف سرزمین‌ها، ریشه‌کنی برده‌داری و غیره، با به خطر انداختن جان خود، به استمرار فعالیت‌ها پرداخته و نهضت‌های متعدد اصلاح‌گر اجتماعی را برای پاسداشت حقوق بشر، محیط زیست و مبارزه با سلطه جوئی بر علیه نوع بشر راه‌اندازی نموده‌اند. (Ibid, p.22)

پیشرفت سریالی و بافت و خیز

اگر بخواهیم نمودار گسترش دین مسیحیت را ترسیم کنیم با یک عامل پیچیده مواجه می‌شویم، یعنی این که روند توسعه در آن به صورت پیوسته نبوده است، آنچنان که به طور مثال، در کرانه‌ها و مناطق مرزی تحت سکونت مسیحیان شاهد رشد این دین هستیم و برخلاف آن، در مناطق مرکزی با افول مواجه می‌شویم. تاریخ مبین این حقیقت است که دین مسیحیت تحت حملات حکومت‌های متخاصم تضعیف گشته، از دین زرتشتی در سرزمین ایران در قرن چهارم گرفته تا تسلط حکومت کمونیست در روسیه که باعث کشته شدن میلیون‌ها مسیحی در قرن بیستم شد. آنچه بدیهی است اینکه، تغییر شرایط مختلف اجتماعی و سیاسی می‌تواند منجر به از دست دادن فحوای درونی یک دین یا آئین شود و بدون شک این موضوع آسیب یک دین بحساب آمده و آن را از درون تهی می‌نماید که مسیحیت در اکثر موارد، از این آسیب در امان بوده‌است. دو جنگ خانمان سوز جهانی و پیدایش تفکر سکولاریسم در اواخر قرن بیستم اروپا را نابود ساخت و در نتیجه درصد گروندگان به مسیحیت کاهش یافت، اما این دین پابرجا ماند. با استعانت از الگویی که تاریخ نگار اندرو والز (Andrew Walls) از آن به عنوان پیشرفت سریالی (Serial Progression) یاد می‌کند و شامل انبساط و انقباض در طول زمان بوده و به این معنا است که تاریخ دین مسیحیت را با توسعه جهانی‌اش نمی‌توان یک اقدام یکپارچه، فارغ از نتایج آن به حساب آورد. (Walls, p.97, 1996) این دستاورد، مهون تلاش مبلغان دین بوده‌است. تبلیغ مسیحیت، به عنوان یک روند تاریخی، شاهد درنوردیدن مرزهای فرهنگی و زبانشناختی توسط کسانی بود که خود را پیروان عیسی مسیح می‌پنداشتند و قصدشان این بود که دین خود را با دیگران به اشتراک بگذارند. وقتی که روند عبور از مرزها ادامه یافت، مسئله‌ای ایجاد شد و آن این که چگونه معنای مسیحی بودن همچنان گروه‌های مختلف مردم از لحاظ فرهنگی را در برمی‌گرفت، به عبارت دیگر، چگونه هویت مسیحی در گذر از فرهنگ‌ها تغییر کرد؟ عکس این مسئله نیز صادق است، یعنی چگونه دین مسیحیت موجب شکل‌گیری یا تغییر فرهنگ یا جهان بینی افرادی می‌گشت که با آن برخورد می‌کردند؟ بعضی از اندیشمندان مانند خانم پروفیسور رابرت (Dana. L. Robert) استاد دانشگاه بوستون و مدیر مرکز مسیحیت جهانی و تبلیغ دینی (Center for Global Christianity & Mission) این اعتقاد را دارند که دین مسیحیت هیچگاه نظامی ثابت را دنبال نکرده و همواره در پی ایجاد هویت‌های تازه و ارزیابی فرهنگ‌های مختلف برای نفوذ در آنها بوده و همین خصوصیت باعث شده تا هیچگاه به طور کامل از بین نرفته و در ناگوارترین شرایط، پا برجا بماند و در حال حاضر داعیه دینی جهانی را داشته باشد. این خصوصیت در ایجاد دگرگونی و انعطاف در روش‌ها، تطور معنا و همچنین کارکرد واژه میسیونری کاملاً محسوس بوده و قابل بررسی است. نقطه آغازین در تبلیغ مسیحیت و فهم آن در فرهنگ‌های مختلف، مکتوبات حواریون است. عهد جدید مجموعه‌ای از نوشته‌های مبلغان است که به جامعه پراکنده یهودیان کمک کرد تا اصل و نسب و هویت خود

را بیاد بیاورد و در عین حال، چهارچوبی برای گسترش دین پس از پیروان عبری ارائه نماید. در دوره‌ای دیگر، شکل جدیدی از میسیونری زهدگرا با تاسیس انجمن عیسی یعنی یسوعی‌ها (Jesuits) بوجود آمد. این گروه در سال ۱۶۲۶ میلادی با ۱۵۰۰۰ عضو و ۴۴۰ کالج به بزرگترین سازمان تبلیغ دینی مردان در جهان تبدیل گشت. اینان در ضمن اولین کسانی بودند که واژه "میسیون" را به صورت لاتین بکار بردند تا بیانگر اعزام آگاهانه نمایندگان ویژه کلیسا یا میسیونرها باشد که هدفشان تغییر دین کاتولیک‌ها یا کمک به ارشاد منحرفین بود. (حکیم آرا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲) الهیات شناسی به نام مارتین کاهلر (Martin Kahler) یک قرن قبل، به این موضوع اشاره کرد که تبلیغ دینی مادر الاهیات است. (Bosch, p.41, 2004) به این معنا که اگرچه عهدجدید یک درسنامه نظام‌مند الاهیاتی نیست، ولی خصوصیت تبلیغی آن برای پیروان اولیه عیسی مسیح، حکمی الاهی محسوب می‌شد تا موعظه‌های او را به گوش جهانیان برسانند. (Ibid)

تطور معنای میسیون و تغییر کارکردهای آن

در امتداد تاریخ، انعطاف‌پذیری عالم مسیحیت به عنوان یک الگوی تبلیغ دینی، زمانی آشکار شد که در مواجهه با چالش‌ها، معنا و خویشکاری آن هم تغییر کرد. ماموریت برای تبلیغ دین یا گسترش آن، از گذشته‌های دور یکی از روش‌های رویارویی با مذاهب دیگر بوده و میسیونری سلسله فعالیت‌های تبلیغی مسیحی را شامل می‌شده است که هدف آن این بوده تا مردم قبائل و اهالی سرزمین‌های دورافتاده و عمدتاً فقیر و عقب مانده را از افریقا، آمریکای جنوبی، آسیای شرقی و حتی استرالیا که تحت سلطه قدرت‌های آن روزگار نظیر هلند، بلژیک، پرتغال، اسپانیا، انگلیس و فرانسه بوده‌اند، به مسیحیت دعوت کنند. این دعوت شامل فعالیت‌هایی نظیر استفاده از روش‌های اقناع-گرانه برای گسترش دین، افزایش پیروان جدید، آموزش آنها، تقویت اعتقادات هم‌کیشان و محافظت از گزند تهاجم تبلیغی سایر مذاهب بوده‌است. حال ببینیم که معنای میسیون چه تغییراتی را در مواجهه با وقایع تاریخی طی کرده‌است:

میسیون یا گذر از مرزها

وقتی که پاپ گریگوری کبیر، اولین مبلغ دینی وابسته به پاپ را در سال ۵۹۶ میلادی به آنطرف مرزهای امپراطوری روم فرستاد، ناخواسته پلی ارتباطی را بنا نهاد که فرهنگ لاتین و دین کاتولیک از طریق آن توانستند به جوامع قبیله‌ای نفوذ کرده، آنها را شکل داده و با هم متحد کنند. او حتی نمی‌دانست که هزار سال بعد از اینکه میسیونرهایی را از منطقه مدیترانه به بیابان‌های شمالی فرستاد، باعث ایجاد مراکز دورافتاده تبلیغ دین گردید. شکل-گیری جهان مسیحیت اروپائی در حدود هزار سال به طول انجامید، یعنی مابین اقدامات تبلیغی پاپ گریگوری کبیر و پاپ الکساندر ششم که دوره دیگری از توسعه اصول مذهب کاتولیک در کلیسای روم را رقم زد. او اعزام

کشیشان به افریقا، آسیا و آمریکا را قانونی اعلام کرد. بدین ترتیب، تعهد به اصل عبور از مرزهای جغرافیائی و فرهنگی، تأثیری عمیق بر هویت مسیحی گذاشت و موجب تحول در جوامعی شد که از آنها عبور می کرد. (Bonk, p.412, 2007) افزایش قدرت دین مسیح وجه تاریکی را هم به نمایش گذاشت و آن تمایل پاپ ها و پادشاهان برای استفاده از زور در مقابل گروههایی از مردم بود که از پذیرش آن سرباز می زدند. این مسئله از زمان کنستانتین آغاز شده بود و بعضی از گمانه زنی ها حاکی از آن است که تلاش برای تغییر کیش در قوم بربر در شمال اروپا، هنجارشکنی نژادی را به تبلیغ دینی مسیحیت تحمیل کرده باشد. (Yates, p.197, 2004) در قرن پانزدهم میلادی، حاکمان مسیحی در برابر اعتراضات راهبان و مبلغانی که در میان مردم عادی زندگی می کردند، تغییر دین را بهانه ای برای فتوحات جنگی و تجاوزات ارضی خود قرار داده و قوانینی از این نوع را برای خود به تصویب رساندند:

میسوین و قانون تحمیلی

- قانون انکومیاندا (Encomienda)

حکمرانان و فرمان های حکومتی آنان، یکی از عوامل تغییر معنای تبلیغ دین در مسیحیت بوده و به همین ترتیب، دگرگونی در شیوه های تبلیغ دین آنان بر ماهیت کارکرد این اصطلاح هم تأثیر داشته است. پادشاه فردیناند و ملکه ایزابل، حامیان قدرتمند کلیسای کاتولیک روم و از برجسته ترین طرفداران مسیحیت به حساب می آمدند. فردیناند، پادشاه اسپانیا در سال ۱۵۰۴ میلادی و همسرش ایزابل، وظیفه بشارت به دین مسیح را جزو قسمتی از امور مربوط به توسعه امپراطوری خود می دانستند. ایزابل منفعت خاصی در تغییر دین سرخپوستان آمریکا نصیب خود نمود. او قانون انکومیاندا را تصویب کرد که بر اساس آن فاتحان اسپانیائی به شرط تغییر دین ساکنان بومی هر سرزمین به مسیحیت، کمک های مالی و زمین دریافت می کردند. اما نظام یاد شده به جای مسیحی نمودن افراد به روش صلح آمیز، بیشتر تبدیل به نظامی خشن، مهاجم و برده پرور گردید. (Rivera, p.40, 1992) طمع مهاجرین تازه از راه رسیده اسپانیائی و پرتغالی نشان می داد که نظام تغییر دین نگرش جنگ های صلیبی را با خود داشت که در اثر هفت قرن تلاش اسپانیائی ها برای رهائی از سلطه مسلمانان شکل گرفته بود. در مثالی دیگر، هنگامی که کریستف کلمب قاره آمریکا را تحت پرچم اسپانیا کشف کرد، فرمانروایان پرتغالی و اسپانیائی نیازمند روشی بودند که احکام خود را به اراضی جدید برسانند. این بود که در سال ۱۴۹۳ میلادی، پاپ الکساندر ششم، یکی از پاپ های کلیسای کاتولیک رم، فرامین اینتر کائترا (Inter Caetera) و دادوم سکوییدم (Dudum Siquidem) را صادر نمود. این دو فرمان که در راستای نظام حمایتی سلطنتی (Paronato) در اسپانیا قرار داشت، از فرمانروایان هر کشور می خواست که در ازای کسب عنوان مالک و همبینطور ایجاد حق جمع آوری مالیات و تعیین مقامات کلیسا، ساکنان اراضی تحت اختیار خود را به دین مسیحیت درآورند. در اصل، پاپ ها در آن دوران فتوا دادند که دنیای

جدید باید بین اسپانیا و پرتغال تقسیم شود، یعنی با کشیدن یک خط فرضی به دور کره زمین، سرزمین های غیرمسیحی از فیلیپین تا آمریکا و از آفریقا تا جنوب شرقی آسیا و پرتغال را از دیگر نقاط جهان مجزا کردند. (Ibid.p.52) البته تبلیغ دینی همواره به سمت سلطه گری و نادیده گرفتن حقوق ملت ها سوق پیدا نکرده و نقاط مثبتی در تاریخ وجود دارد که آغازگر جریاناتی در راستای دفاع از بشریت بوده است:

- میسیون و اصطلاح ملت (Nation)

مورخی به نام آدریان هیستینگز (Adrian Hastings) ترجمه کتاب مقدس را که حاصل تلاش میسیونرها بود، منبع ملیت مدرن (Modern Nationhood) می داند، یعنی مردمی که در محدوده ای خاص با زبان، آداب و رسوم و قوانین مشترک زندگی می کنند و انگلستان را نقطه آغازین این منبع می داند که از آنجا به عنوان مدل به دیگر کشورها راه می یابد. مفهوم ملت برای مردم انگلیسی زبان در اثر استفاده آن در ترجمه های ابتدائی کتاب مقدس مصطلح گردید. این لغت در مراسم نیایش هفتگی از اواسط قرن شانزدهم بکار می رفت و بدون هیچگونه تغییری در ترجمه های انگلیسی سال ۱۹۶۰ میلادی هم دیده شد. هیستینگز عقیده داشت "متون می توانند انسان بسازند" (Texts Can Produce Peoples)، اگرچه کاربرد مشترک زبان ادبی لاتین، فضا را برای نشر عقاید در مسیحیت قرون وسطی مهیا کرد، ظهور یکباره سوادآموزی، بومی سازی (Vernacularization) و فناوری چاپ نیز امکان ایجاد فرهنگ های ملی مستقل و گسترش هویت های ملی را فراهم آوردند. مفهوم ناسیونالیسم انگلیسی را اولین ساکنان پیوریتن (Puritan) یا پاک دینان آن کشور با خود به اسکاتلند و مستعمره های آمریکا برده و در اروپا با آغاز قرن هفدهم میلادی و مناقشه هلند در مقابل نفوذ اسپانیا، این مفهوم مورد استفاده قرار گرفت. ظهور واژه امروزی دولت-ملت (Nation-State) ساختارهای سیاسی - کلیسایی را در جهان مسیحیت کاتولیک درهم شکست و جنگ های داخلی در قرن های شانزده و هفده میلادی، سراسر اروپا را فرا گرفت. این نبود مگر با تدبیر و سعی مبلغان دین و تحول در روش های موجود. (Hastings, p.12, 2005)

میسیون با رنگ و بوی نفع مادی

با مرور زمان، پیشرفت ماموریت های تبلیغ دین نیازمند الگوهای جدید بود که از طریق آنها، حمایت عام جلب گردد. اواخر قرن هجدهم میلادی، با ظهور جمعیت داوطلبان (Voluntary Society) گویا همه چیز به نفع میسیونرها تمام شد. این جماعت بر اساس ایده ای شکل گرفت که طبق آن، اعضای عادی کلیسا با اهدای مقادیر مشخصی پول، افراد هم مسلک خودشان را به نقاط دوردست جهان می فرستادند و هدف این فرستادگان، ترجمه کتاب مقدس، تاسیس کلیسا و مدرسه، کمک به ارتقای سطح زندگی مردم و ترغیب آنان به باور نجات ابدی از راه پیروی از عیسی مسیح بود:

- سهام میسیونری یا استفساریه (Enquiry)

در دهه‌های ۱۷۸۰ و ۱۷۹۰ میلادی، اعضای کلیسا در محدوده‌های مختلف تحت نفوذ خود، رساله‌هایی استدلالی را برای تثبیت ماموریت‌های مذهبی جماعت داوطلبان تدوین نمودند. معروفترین این رساله‌ها متعلق به کفاشی انگلیسی تبار اهل فرقه تعمیدی‌ها (Baptists) بود که ویلیام کری (William Carey) نام داشت. تاکید کری بر این بود که فرمان عیسی مبنی بر "رفتن به همه جهان" و غسل تعمید، آموزش و موعظه مسیحیان حتی در دوران مدرن هم کارائی دارد. او با استفاده از الگوی سرمایه‌داری، یک شرکت تجاری تاسیس و پیشنهاد داد تا مسیحیان عادی با کنارهم گذاشتن منابع مالی خود، اقدام به خرید "سهام میسیونری" کنند تا ضمن فرستادن این منابع مالی و پول‌ها و حمایت مالی حتی غیرمسیحیان، هم پیام مسیح منتشر گردد و هم نجات ابدی از طریق عیسی برای فرستندگان فراهم آید. این شاید اولین مدل از تبلیغ دینی مسیحی با چاشنی بهره‌مندی از منابع مادی بود. (Sherwood, p.97, 1945)

میسوین از نوع مشارکتی (Partnership)

از سال ۱۹۶۰ میلادی ببعد، اصل خود انتقادی در میان جریان‌های اصلی پروتستان، میسیونری ارباب سالارانه را به سمت نظریه‌های جدید سوق داد. یکی از آنها، تبلیغ دینی مشارکتی بود. بدین معنا که تقویت روح مشارکت جوئی در دستور کار قرار گرفت تا فراخوان‌های مربوط به تعداد انگشت شماری از میسیونرهای غربی، تبدیل به حمایت‌های قابل توجه مالی از پروژه‌های عمده‌ای نظیر توسعه آموزش‌های دینی در جنوب شرقی آفریقا و اقیانوس آرام گردد. تبلیغ مشارکتی فرقه‌هایی را هم ایجاد کرد که هدفشان تقویت شبکه جهانی کلیساها و ترویج سنت‌های کلیسایی بود، در نتیجه روش‌های تبلیغ دین، به جای تمرکز یک جانبه بر غرب، همکاری اعضای کلیساهای مختلف نظیر انجمن انگلیکن‌ها و شورای جهانی متدیست را خواستار شد تا اتحاد بیشتری بین جامعه جهان گستر مسیحیان برقرار شود. (Ibid)

امپریالیسم بن مایه میسیون

میسوینرهای مسیحی در اواخر قرن نوزدهم و بیستم میلادی بر این عقیده بودند که وجود یک امپراطوری قدرتمند در خاورمیانه می‌تواند روند مسیحی شدن را تسهیل نماید. آنان معتقد بودند که چنانچه در فعالیت‌هایشان با مشکلی روبرو شوند، می‌توانند از این امپراطوری قدرتمند کمک بگیرند تا قادر باشند به کارهای خود ادامه دهند. در عین حال به عنوان تبعه خارجی از موقعیت برتر و حق کاپیتولاسیون نیز بهره‌مند بودند. این موضع آنان ریشه در مقطعی داشت که بعضی از میسیونرها روشی ستیزه جویانه برای رویارویی با مسلمانان اتخاذ نمودند تا جائی که کارشان را آمادگی برای نبرد و جنگ و جمع‌آوری نیرو علیه مسلمانان بیان می‌کردند. پاپ اوربان دوم (Pop Urban II) در سال ۱۰۹۵ میلادی، طی سخنانی خواهان بازپس‌گیری

سرزمین مقدس از مسلمانان شد. سخنان او هزاران نفر از نجیب زادگان اروپائی و افراد معمولی را در گروههایی معروف به جنگجویان صلیبی، برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده مسیحیان در فلسطین، افریقای شمالی، سیسیل و دیگر نقاط جهان از دست مسلمانان، دور هم جمع کرد. این اتحاد قرون وسطائی حکوکت و کلیسا، تبلیغ دینی را با ارباب و خلق و خوی استعماری همراه کرد. (Kedar, pp.74-79, 1984)

ویرانی اروپا در جنگ جهانی دوم (سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ میلادی) به چهار قرن استعمارگری و دست‌درازی اروپائیان به دیگر کشورها خاتمه داد. با به ثمر رسیدن نهضت‌های ملی‌گرا کشورهایی که قبلاً تحت سلطه قدرت‌های استعماری بودند، طعم استقلال را چشیدند. هند در سال ۱۹۴۷ میلادی، برمه (میانمار کنونی) در سال ۱۹۴۸ میلادی و غنا در سال ۱۹۵۷ میلادی پیشروان روند اجتناب‌ناپذیر استعمارزدائی بودند. (Taylor, pp.16-36, 2001)

ظهور نقدهای عالمانه در مورد میسیونری

پایان دوران استعمار، پیامدهائی هم به همراه داشت. یکی از آنها ظهور نقدهای افراطی به مسیحیت اروپائی و عدم پذیرش فعالیت‌های تبلیغ دین به بهانه ایجاد زمینه تحمیل عقاید اروپائیان به مذاهب و فرهنگ‌های دیگر بود. در سال ۱۹۳۹ میلادی، ویلیام ارنست هاکنینگ (William Ernest Hocking) فیلسوف آمریکائی تحقیقی درباره میسیونری در ایالات متحده آمریکا انجام داد و نتایج آن را تحت عنوان تجدیدنظر در ماموریت‌های تبلیغ دینی (Re-Thinking Missions) منتشر ساخت. این تحقیق، جنجالی را با زیر سوال بردن سطح علمی مدارس میسیونری و همینطور حق تغییر کیش مردم توسط میسیونرها به راه انداخت. او معتقد بود که میسیونرها باید تنها به عنوان همیار (Co-Worker) برای نیروهای مومن هر دین عمل کنند. (Hocking, p.443, 1939) یکی از تاریخ‌دانان دانشگاه هاروارد نیز به نام آرتور شلسینگر (Arthur Schlesinger) در سال ۱۹۷۴ میلادی، نام امپریالیسم فرهنگی (Cultural Imperialism) را به عنوان آفت اصلی ماموریت‌های تبلیغ دینی برگزید. اگرچه میسیونرها به ندرت از سلاح و یا قدرت نمائی آشکار استفاده می‌کردند اما در واقع مواردی هم وجود داشت که آنان در جهت حمایت از منافع اقتصادی و حتی سیاسی، مردم را وادار به تغییر کیش و آئین خود کرده بودند. مورخ و روشنفکر دیگری به نام ویلیام هاجیسون، با مطالعه سبک‌های گفتاری مبلغان دین برای مخاطبان غربی، اینگونه استدلال کرد که زبان نوکیشی و درپی آن کشورگشائی این گروه در اواخر قرن نوزدهم میلادی، نوعی معادل اخلاقی (Moral Equivalent) برای مفهوم امپریالیسم را تداعی می‌کرد. در سال ۱۹۹۱ میلادی، کتاب انتقادی تندی در مورد قدرت طلبی میسیونرها در حوزه فرهنگ توسط اندیشمندانی از افریقای جنوبی به نام‌های جین و جان کوماروف (Jean & John Comaroff) با عنوان وحی و انقلاب (Revelation and Revolution) منتشر شد. نویسندگان این

کتاب با تحلیل انسان‌شناسانه و تاریخی از میسیونرهای اولیه در میان مردم بوتسوانا (Botswana) ادعا کردند که مبلغان دینی با مهندسی یک جریان تحت عنوان استعماری کردن تفکر (Colonization of Consciousness) به طرز بی رحمانه‌ای پایه گذار نظام آپارتاید افریقای جنوبی در قرن بعد گردیدند. طبق عقیده کوماروف‌ها، میسیونری با ابداع سیستم آب رسانی، کاپیتالیسم را اشاعه داد که در آن منطقه، یک نظام عقیدتی بی‌سابقه بود و حتی باعث ایجاد تغییراتی در زبان عامیانه (Quotidian) روش زندگی روزمره و در نهایت به زیر سلطه درآوردن مردم آن سرزمین گردید. آنان حتی اینگونه نتیجه گیری کردند که امپریالیسم فرهنگی مبلغان دینی، حيله گرانه‌تر از نقشه‌های قدرت‌های آشکار سیاسی در دولتهای استعمارگر اروپائی عمل کرده است. (Comaroff, p.127, 1991)

سوء استفاده از میسیونری

در سال ۱۴۹۳ میلادی، اسپانیا و پرتغال توافق کردند تا جهان غیرمسیحی (Non-Christian) را بین خود تقسیم و حکومتی متشکل از فرانسیسیان، دومینیکن‌ها، آگوستینین‌ها و دیگر سلسله‌های مذهبی که هم عقیده غارتگران بودند، تشکیل دهند که یکی از بارزترین مصادیق سواستفاده از تبلیغ دین بشمار می‌رود. کریستف کلمب برای همراهی با این توافق، در سفر دوم خود به جزائر کائیب، کشیشان اسپانیائی جوانی را با خود برد و این سرآغازی بود برای استثمار بی‌رحمانه از سرخپوستان آن منطقه و استخراج نقره و طلا از معادن آبا و اجدادی آنان. (Hastings, p.12, 1997). در موردی دیگر، با فتح مکزیک توسط هرنان کورتس (Hernan Cortes) فاتح اسپانیائی در سال ۱۵۱۹ میلادی، او هم با کشیشان، برای توصیف اصول نظری مسیحیت به مردم و همچنین غسل تعمید رهبرانی که تمایل به مسیحی شدن داشتند، همراه شد. با نابودی پایتخت آزتک (Aztec) کورتس فریبکارانه اعلام کرد که انگیزه اصلی من برای ورود به این جنگ و حتی جنگ‌های دیگر که رهبری آنها را به عهده دارم، بهره‌مند کردن مردم بومی از بصیرت ایمان مقدس کاتولیک است. (Rivera, p.48, 1992) مصطفی خالدی و عمر فرخ در سال ۱۹۵۳ میلادی کتاب پر طرفدار خود به زبان عربی را به چاپ رسانده و در آن اینگونه استدلال کردند که میسیونرها در بدو پیدایش، دین دار نبوده و ترجیح آنان اجرای فرامین امپریالیسم و ماتریالیسم غربی بود. (Sharkey, pp.9-14, 2004) خالدی استاد سابق دانشگاه آمریکائی بیروت بود که میسیونرها آن را تاسیس کرده بودند. مباحثات این دو اندیشمند به بسیاری از زبان‌ها ترجمه و در محافل غربی نشر یافت. همچنانکه تنش میان غرب و جهان اسلام در اواخر قرن بیستم میلادی بالا گرفت، مبلغان دینی هم به عنوان سپاه جنگ‌های صلیبی و توهین‌کنندگان به پیامبر اسلام به تصویر کشیده می‌شدند و تاسیس مدارس و بیمارستان‌ها و حتی موضع آنان نسبت به تساوی حقوق زنان به مثابه اهانت و تحقیر عده ای متجاوز به دین اسلام تلقی گردید. (Ibid. p.52) این واقعیت غیر قابل انکار است

که ماموریت‌های تبلیغ دینی مسیحی از قرن پانزده تا بیست میلادی در بستر توسعه طلبی‌های اروپائیان و نظام سرمایه‌داری ایجاد و در دنیای امروز به موازات چهارچوب جهانی شدن پیش رفته است که این رویکرد باعث شده تا چهره تبلیغ دین با رنگ و لعاب امپریالیسم فرهنگی و سیاسی به نمایش درآید. ناگفته پیداست که مبلغان دینی برخلاف دیگر عوامل موثر در تغییرات فرهنگی مانند توریسم، تجارت و انجمن‌های علمی، آشکارا با دین و جهان بینی مردمان سروکار دارند و این ویژگی باعث شده تا همواره با اتهاماتی نظیر تعصب مذهبی، ملی و توسعه طلبی مواجه شوند. کتاب عهد جدید نیز در این زمینه تصریح می‌نماید که در ایام زندگی پولس هم مسیحیانی که پیام آور عیسی مسیح بودند به اخلال در نظم عمومی متهم شدند. (اعمال رسولان، ۱۷:۶) اما همانگونه که اشاره شد، اراده راسخ مبلغان در ماموریت‌های محوله و تحقیقات اندیشمندان و انتشار آنها، در بسیاری از موارد نیز ایجاد نگرش‌های مثبت در افکار عمومی نسبت به میسیونرها را در پی داشته است. در ادامه به بعضی از این موارد اشاره می‌گردد:

استعلامی تبلیغ دین در آئینه رسانه‌ها

مفاهیم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دخیل در تبلیغ دین و نقش مبلغان مسیحی در بهره‌مندی از آنها، جهت برقراری ارتباط با مخاطبان، به خوبی در تولیدات نمایشی، ادبیات و افکار عمومی قابل رصد است. کتاب بازی در سرزمین‌های خداوند (At Play in the Fields of the Lord) که در سال ۱۹۶۵ میلادی توسط پیتر ماتیسن (Peter Mathieson) به رشته تحریر درآمد، پس از گذشت بیست و پنج سال از انتشار آن هنوز تجدید چاپ می‌شود. (Digilib , Ivp23,1990) در میان آثار نمایشی، فیلم‌های میسیون (The Mission) در سال ۱۹۸۶ میلادی و ارابه‌های آتش (Chariots of Fire) در سال ۱۹۸۱ میلادی، جوایز مهمی را به خاطر ترسیم فضای مناسب احساسی از فعالیت میسیونرها کسب کردند. کتاب‌هایی در این زمینه، نظیر کتاب مقدس پویزن وود (The Poisonwood Bible) اثر باربارا کینگ سالور (Barbara Kingsolver) در سال ۱۹۸۸ میلادی، عنوان بالاترین فروش را در فهرست روزنامه نیویورک تایمز به خود اختصاص داد. حتی در این میان، سرمایه‌گذاران صنعت بازی‌های معروف رایانه‌ای موضوع میسیونری را برای کسب و کار خود انتخاب کردند. به عنوان نمونه، در بازی عصر امپراطوری‌ها (Age of Empires) راهبان میسیونر، نقش‌های استراتژیک کلیدی در ایجاد و تحکیم قدرت را برعهده دارند. این راهبان با استعانت از رهنمودهای کتاب مقدس و دعا، باعث تغییر کیش افراد دشمن شده و آنان را به طرفداری از امپراطوری مورد حمایت خود وامی‌دارند. البته هنوز در اعتقاد عام، راهب مبلغ دین یک شفادهنده است که با ایمان خود، قادر به بازیابی سلامت آسیب دیدگان است. اگرچه در بازی یاد شده، راهبان عاری از هرگونه ارزش مداری و اعتقاد نمایش داده می‌شوند اما نقش اساسی آنان برای حفظ کامیابی و سلامت جوامع انکار شدنی نیست. (Ibid)

حقوق بشر

بررسی شرح حال رهبران مسیحیت که در امور اجتماعی جهان دستی دارند، مبین این حقیقت است که بین فعالیت‌های میسیونری و حرکت به سوی نظم نوین جهانی در حوزه‌های اقتصاد و سیاست و همینطور رشد ناسیونالیسم در کشورهای هند، چین، ژاپن و کره ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. رهبر انجمن مسیحی مردان جوان به نام جیمزین (James Yen) بنیانگذار کمپین همگانی سوادآموزی در چین بود و موفق شد در سال ۱۹۲۰ میلادی، بخش قابل توجهی از روستائیان آن کشور را باسواد نماید. برنامه‌های خلاقانه پل (T. K. Paul) از رهبران میسیونر در هند نیز منجر به توسعه مناطق روستائی شد و او به عنوان دبیر انجمن مسیحی مردان جوان آن کشور منصوب گردید.

معروفترین چهره مخالف نظام برده‌داری حاکم بر بومیان آمریکا، بارتو لومه د لاس کاساس (Bartolome de las Casas) کشیش، نویسنده و اسقف اسپانیائی بود که در سال ۱۵۱۴ میلادی برای اداره کردن سرزمین اقوام خود به سانتو دومینگو (Santo Domingo) پایتخت کنونی دومینیکن، رفت. آنچه که او در آن منطقه دید، موجب بیماری‌اش شد. پس با جمع‌آوری اسناد و مدارک، اعتراض خود به رفتار با سرخپوستان آن منطقه را آغاز کرد. سرخپوستانی که وادار به کار اجباری در معادن، بدون غذا شده و به صورت دسته‌جمعی جان می‌سپردند. لاس کاساس در فضائی به دور از عدالت اجتماعی، راهبردی خاص را به کار برد که از طریق آن نسل‌های متمادی مبلغان دینی به دفاع از حقوق بشر پرداختند. او با نزدیک شدن به رهبران قدرتمند اروپا، افکار عمومی را بوسیله تبلیغات به این سمت سوق داد که بازگشت به وطن، کار درستی نیست، چون دیگر وطنی در کار نیست! او ضمناً در بازگشت به اسپانیا، مدارک خود را در اختیار مقامات حکومتی و پاپ گذاشت. لاس کاساس در طول زندگی خویش بارها به اروپا سفر کرد تا در مقابل نظام برده‌داری حاکم بر سرخپوستان اقامه دعوی دینی و قانونی نماید. این دوستدار حقوق بشر، در هربار بازگشت به آمریکای لاتین، اقتدار بیشتری به دلیل پی‌گیری‌های مستمر خود نزد پادشاه و پاپ کسب می‌کرد تا در سال ۱۵۴۳ میلادی، به سمت اسقف منصوب گردید. بزرگترین دستاورد او، تصویب قوانین جدید در سال‌های ۱۵۴۲ و ۱۵۴۳ میلادی و آغاز روند آزادی سرخپوستان از نظام کار اجباری یا انکومیاندا بود. (Zeisberger, p.97, 1997) مراوی‌ها (Moravians) هم در میان بردگان افریقائی و سرخپوستان آمریکائی در پیروزی نهضت ضد برده‌داری نقشی اساسی را برعهده داشتند. ماجرا اینگونه بود که در سال ۱۷۸۰ میلادی پروتستان مسلکی انگلیسی به نام ویلبر فورس (William Wilberforce) انجمن ضد برده‌داری را بنیاد نهاد و در پارلمان هم دعوی براندازی نظام تجارت برده را به راه انداخت. گواه او بر این ادعا، حرکت مبلغان دینی مراوی بود که بدون خونریزی و به صورت مسالمت‌آمیز، این نظام را در هند شرقی برانداخته بودند. برای ویلبر فورس و دیگر پیروان انگلیکن ضد

نظام برده‌داری که فرقه کلافام (Clapham) را تشکیل داده بودند، میسیونرها در واقع ابزار قدرتی برای یورش به نظام برده‌داری بشمار می‌رفتند. در نزاع بر سر حقوق بشر، تلاش‌های مبلغان دینی در جهت احقاق حق مردم بومی، سال‌هائی پر از درگیری، مرگ و ناکامی را برایشان به همراه داشت، البته چند پیروزی در عرصه‌های مختلف هم برای این گروه رقم خورد. (Buxton, pp.90-99, 1839)

در طول یکصد و پنجاه سال گذشته، مبلغان دینی شاهد بی‌عدالتی‌هائی نسبت به شان انسان بوده‌اند و این موضوع عامل اصلی برجسته شدن مباحثات مربوط به حقوق بشر در غرب بحساب می‌آید. تعداد بیشماری از میسیونرها که از خودگذشتگی‌های آنان امروزه به دست فراموشی سپرده شده‌است، با تاثیر بر رفتار مظلومان و روشنگری افکار عمومی، زورمداران را مجبور به تمکین از حقوق انسانی نموده‌اند. در موردی دیگر، کاتارین باشنل (Katharine Bushnell) میسیونری پزشک بود که فعالیت‌های او به مبارزه با قاچاق جنسی زنان و کودکان اختصاص داشت. داستان از این قرار است که در سال ۱۸۸۰ میلادی، او به اردوگاه چوب بری در ویسکانسین (Wisconsin) که زنان ربوده شده به عنوان بردگان جنسی را در آنجا نگاه می‌داشتند، نفوذ کرد. این حرکت و در پی آن شهادت او، در مجلس ویسکانسین موجب صدور حکم محکومیت برای فحشای اجباری در آن منطقه شد. در سال ۱۹۸۰ میلادی نیز این مبلغ شجاع به ۱۰ پایگاه نظامی بریتانیا در هند نفوذ کرد و مدارکی از فاحشه‌خانه‌های غیرقانونی که توسط ارتش بریتانیا راه‌اندازی و دخترانی با سن یازده سال و حتی کمتر در آنجا نگهداری می‌شد، جمع‌آوری نمود. گزارشات و شهادت این میسیونر در برابر دولت بریتانیا منجر به اعتراضات عظیمی در برابر بهره‌برداری از زنان و دختران گردید. (Gutierrez, p.78, 1990) راه او در قرن بیست و یکم میلادی نیز توسط مبلغانی که در میان مراکز توریسم جنسی در تایلند و مولداوی حضور پیدا کرده بودند، ادامه یافت.

اخبار مربوط به قتل عام یک و نیم میلیون از جمعیت ارمنه توسط ترک‌های عثمانی در زمان جنگ جهانی اول را بسیاری از مبلغان دینی به جهان انعکاس دادند. وارطان هاتونیان (Vartan Hatunian) پسری بود که حادثه سوزاندن دوهزار نفر از ارمنه به صورت زنده را در یک کلیسا، دوباره در خاطره‌ها زنده کرد. خانواده این پسر را میسیونرها با تکان دادن پرچم سفید به نشانه صلح، برفراز کلیسایشان از سوزانده شدن توسط سربازان ترک نجات دادند. او و مادرش، ماهها در یک بیمارستان متعلق به میسیونری پنهان و دست‌آخر به همراه هزاران تن دیگر با یاری مبلغان به ایالات متحده آمریکا فرار کردند. گزارش‌های میسیونری از کشتار دسته‌جمعی ارمنه، منجر به تقویت موضع ویلسون (Woodrow Wilson) بیست و هشتمین رئیس‌جمهور آمریکا، در صدور اعلامیه ۱۴ ماده‌ای در این رابطه شد که طی آن حق حاکمیت ارضی و حقوق اقلیت‌های قومی را به عنوان بخش مهمی از سیاست خارجی آمریکا مورد حمایت قرار می‌داد. (Long, p.113, 2003)

در دهه‌های متمادی یعنی بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ میلادی که نظام آپارتاید در آفریقا حکومت می‌کرد، مبلغان دینی و سازمان‌های بین‌المللی کلیسا از رهبران در تبعید آفریقای جنوبی حمایت کرده و از طرف دیگر، تحریم‌ها بر علیه این حکومت را هم مهر تأیید زدند. این مبلغان، همچنین با ارسال کمک‌های مالی از خارج مرزها، برای سازمان‌های ضد نژادپرستی نظیر شورای کلیساهای آفریقای جنوبی (the South African Council of Churches) و موسسه مسیحیان (Christian Institute) نسبت به مهیا ساختن امکان تحصیل و مداوای جمعیت‌های اقلیتی و جدا افتاده، اقدام نمودند. پرزیدنت نلسون ماندلا در سال ۱۹۹۸ میلادی، هنگام برگزاری اجلاس هراره (Harare) هم‌صدائی مبلغان دینی با مبارزه برای آزادی در دهه‌های متمادی را به براندازی نظام آپارتاید کمک شایانی کرده بود، ستود. (Robert, p.119, 2003)

محیط زیست

عصر جهانی شدن (Globalization) چالش‌های جدیدی را در رابطه با سرزمین‌ها برای مبلغان دینی ایجاد کرد. جمعیت جهان از سه میلیارد نفر در سال ۱۹۶۰ میلادی به ۶/۱ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی رسید و این مسئله فشار بر روی عوامل سرزمینی و منابع زمین را افزایش داد. میسیونرهای اواخر قرن بیستم میلادی در حال یکی شدن و اتحاد با مردم بومی بخصوص در جوامع قبیله‌ای کوچک بودند که این حوادث آنها را هم در مسیر اقدامات حکومتی و یا هم سوئی با کمپین‌های مدرن سازی (Modernization) قرار داد. در موردی برجسته از این دست، مسئله فرزندان میسیونرها بود که چون در فضائی آکنده از فرهنگ‌های بومی رشد کرده بودند، وقتی سرزمین‌های دوران کودکی خود را مواجه با خطر نابودی دیدند، به حافظان محیط زیست تبدیل شدند. به عنوان مثال، در اکوادور، رندی بورمن (Randy Borman) فرزند یک میسیونر در سال ۱۹۷۷ میلادی، هفت انجمن برای حفاظت از جنگل‌های بارانی منطقه کوفان (Cof'an) از گزند دست-اندازی شرکت‌های نفتی، گله‌داران و مالکان مزارع تشکیل داد. با این اقدام منطقه کوفان، صاحب اولین پروژه انجمن محور اکوتوریسم (Community-based Ecotourism Project) در جهان شد تا برای حفظ و نگهداری زیستگاه بومی منطقه به یاری مردم بیاید. (Gendall, pp.185-200, 2005)

طرفداری مبلغان دینی از مواردی نظیر حقوق بشر یا محیط زیست، البته خطراتی را هم برای آنان در برداشته است. دوازدهم فوریه سال ۲۰۰۵ میلادی دو آدمکش اجیرشده توسط گله‌داران در حوزه آمازون در کشور برزیل خواهر روحانی دوروتی استنگ (Dorothy Stang) از اعضای گروه مذهبی کلیسای کاتولیک خواهران را هنگام خواندن کتاب مقدس و زیر باران به گلوله بستند. خانم استنگ در آن زمان به دیدار گروهی از روستائیان می‌رفت که خانه‌هایشان توسط قاچاقچیان چوب و گله‌داران به صورت غیرقانونی تصرف و به آتش کشیده شده بود. این خواهر روحانی اهل نتردام دو نامور (Notre Dame de Namur) از ایالت اوهایو

(Ohio) در سال ۱۹۶۰ میلادی به برزیل رفت تا آغازگر نهضتی برای یاری رساندن به روستائیان بدون زمین آن مناطق بوده و از طرف دیگر، به حافظان محیط زیست در آمازون انگیزه بخشی نماید. خانم استنگ همچنین به مردم پارا، یکی از ایالت‌های برزیل کمک کرد تا کسب و کارهای موافق با روند محیط زیستی خود را رونق بخشند. مدارس را برای آموزش خواندن و نوشتن به آنان تاسیس کرد و ضمن ارائه توصیه‌های مذهبی به مردم، نظر دولتمردان وقت را هم نسبت به زمین از کف‌دادگان تغییر داد. البته انحراف در اهداف اصلی در گذر زمان و افزایش درآمدهای کشاورزی و منفع جمعی باعث شد تا مردم بیشتری به اعماق جنگل‌ها هجوم برده و این روند بیش از ۹۱۰۰ هکتار از جنگل‌های آمازون را در طول یک سال به نابودی کشاند. (Allen, p.93, 2016)

شبکه های جهانی

افزایش ارتباط بین میسیونرها در کنار هم‌افزایی نیروهای جوان و شور و نشاط مبلغان مابین سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ میلادی، موجب گسترش سریع شبکه‌های بین‌المللی مسیحی شد. همانگونه که اختراع صنعت چاپ در قرن شانزدهم، ندای پروتستان‌تیسیم را به همه عالم رساند. پیشرفت‌های فناوری در اواخر قرن نوزدهم میلادی هم امکان جهانی شدن مراودات پژوهشگران مسیحی را فراهم کرد. (محسنیان راد، ۱۳۸۴، ص ۳۲۴) اگر بخواهیم سازمانی را در این رابطه به عنوان نمونه مطرح کنیم باید به انجمن تلاشگران مسیحی (Christian Endeavor) که در سال ۱۸۸۱ میلادی در کلیسای کنگرگشنالیست ویلیستون (Williston) داکوتای شمالی (North Dakota) در پورتلند، ایالت مین (Portland, Main) تشکیل شد، اشاره کرد. وقتی که این کلیسا با کمبود نیروی جوان مواجه شد، فرانسیس (Francis) و هریت کلارک (Harriet Clark) مبلغان فعال آن دوره، سعی کردند با اجرای برنامه هفتگی نیایش و گپ و گفت دسته‌جمعی، نوجوانان دختر و پسر را به تغییر کیش تشویق نمایند. تشکیل نهضت دانشجویان داوطلب برای تبلیغ دینی در خارج (The Student Volunteer Movement for Foreign Missions) مهم‌ترین نمونه ائتلاف فرهنگی جوانان مسیحی با تبلیغ دین در خارج از مرزها است. چون این تشکیلات موفق شد ۸۰۰ نفر از فارغ التحصیلان دانشکده‌های آمریکا و ۳۰۰ نفر از دانشکده‌های انگلستان را در هشت سال اول فعالیت خود به عضویت درآورد. ظهور نهضت مذکور از کنفرانسی تابستانه در مورد انجیل نشأت گرفت که برای انجمن مسیحی مردان جوان (Young men Christian Association) در نورت فیلد (Northfield) ماساچوست در سال ۱۸۸۶ میلادی برگزار شده بود. انجمن مسیحی مردان جوان، اولین مرکز فراگیر تربیت کشیش برای دانشجویان با برنامه‌های متوازی از اصول انضباطی روحی و جسمی بود. دانشجویان شرکت کننده در این گردهمایی‌ها، علاقه زیادی به فناوری‌های نوین، شبکه‌های تجاری، کاوش علمی و مدرنیزاسیون توسط کشورهای تحت

سیطره غرب، نشان می‌دادند و این تمایل، باب جدیدی در امپراطوری بریتانیا برای اعزام لشکری از میسیونرها فراهم آورد. پسران مبلغان دینی مانند یک سرخپوست لاکوتائی (Lakota Indian) یا یک دانشجوی اهل تایلند از کالج ویلیامز، بر نیاز بر اعزام مبلغان به بخش‌های مختلف جهان پافشاری می‌کردند. در پایان کنفرانس تابستانه به طور دقیق، یکصد نفر از مربیان انجمن مسیحی مردان جوان، تمایل خود برای ورود به گروه میسیونرهای خارجی را اعلام داشتند. این روند تا پایان سال تحصیلی بعدی هم ادامه داشت و بالغ بر ۲۰۰۰ دانشجوی از ۱۶۲ کالج در آمریکای شمالی تعهدنامه‌های میسیونری خارجی را امضا کردند. (Clark, pp.492-493, 1998)

برگزاری کنفرانس جهانی میسیونری در سال ۱۹۱۰ میلادی، با حضور یکصد و شصت انجمن تبلیغ دینی پروتستان در ادینبورگ (Edinburg) اسکاتلند یک شبکه فعال تبلیغ دینی در دوران استعمار را به جهانیان معرفی کرد که حاصل فعالیت مبلغان در ایجاد بیداری پویای معنوی در ملل عالم بود. احیاگری دینی، آرزو و خواسته قلبی پیروان نهضت پروتستان در پایان قرن نوزدهم بود. در این برهه از زمان، مجلات پرتیراژ با موضوع تبلیغ دینی به صورت گسترده‌ای، گزارشات مربوط به تغییر کیش افراد شاخصی نظیر روسای قبائل افریقائی، پادشاهان تونگائی و حتی سامورائی‌ها در ژاپن را منتشر کردند. یکی از این مجلات، مروری بر میسیونری در جهان (the Missionary Review of the World) نام داشت. از طرف دیگر، ورزشکاران معروف هم نسبت به تغییر کیش خود به دین مسیحیت شهادت می‌دادند. یکی از آنان استاد (C.T. Studd) بهترین بازیکن کریکت در انگلستان بود. همه این مسائل، دانشجویان جوان را به ایثار جان برای تبلیغ دین در خارج از مرزها ترغیب می‌کرد. برگزاری کنفرانس‌های معنوی زندگی والانتر (Higher life) گردهمائی در اردوهای با موضوع احیاگری دین و برپائی نشست در باب پیشگویی‌های کتاب مقدس، انتظارات مردم را در این باره بالا برد که قرن بیستم دوران جدیدی است از روح القدس. آنگونه که در اعمال رسولان ۲:۱۷ می‌خوانیم: جوانانتان رویا خواهند دید و پیرانتان خواب‌ها. (Robert, p.211, 1993)

نتیجه‌گیری

مبلغان دینی، مومنان غیرتمندی هستند که با ایجاد رابطه با انسان‌ها در حوزه‌های قومی و بین‌المللی، سعی در اشتراک گذاری دین خود با دیگران دارند. دین مسیحیت توانائی استقامت در مواجهه با چالش‌هایی نظیر جنگ، نقدهای افراطی و حتی سوءاستفاده صاحبان قدرت را وامدار پایمردی و از جان گذشتگی میسیونرها است. در قرن بیست و یکم میلادی، تقریباً از هر سه نفر جمعیت جهان یکی مسیحی شده و از نظر فرهنگی، بیشترین تنوع را در این دین شاهد هستیم. ایجاد هویت‌های تازه، مبارزه با سلطه‌جویی علیه نوع بشر، تلاش در ایجاد شبکه‌های جهانی، خلق الاهیات مختلف برحسب نیاز جوامع و برگزاری کنفرانس‌های معنوی در سرتاسر

جهان، از خدمات میسیونرهای مسیحی است. اگر رویکردی مثبت داشته باشیم، میسیونری به تعبیر مسیحیان، موضوعی فرامرزی و هدایت شده توسط منطقی جهان شمول است که دستاورد تجربیات موفق یا ناموفق مبلغان در بسط معنای تک بعدی تبلیغ دین از عنوان رسولی در اعمال رسولان به افرادی تاثیرگذار در جریان- های مهم تاریخی را رقم زده است. البته تقلیل معنایی تبلیغ دین در مسیحیت در مواردی از تاریخ به استعمار غربی یا سلطه جوئی را هم نباید از نظر دور داشت. تبلیغ دینی مسیحیت در واقع مادر الاهیات متنوعی بود که تحت لوای امپراطوری روم برای نقل داستان زندگی عیسی مسیح در آن سوی مرزها و ایجاد انجمن‌های کلیسایی بوجود آمد. روش‌های گوناگون و پویای مبلغان مسیحی از دیدگاه علم ارتباطات نظیر فرهنگ پذیری، بومی‌سازی، تبلیغ دینی معکوس و غیره، موضوعات قابل توجهی برای پژوهش‌های اهل فن فراهم آورده که می‌تواند انگیزه کاوش در این مقوله مهم قرار گرفته و بستری در متحول ساختن روش‌های تبلیغ دینی دنیای معاصر باشد.

منابع

- ۱- محسنیان راد، مهدی، ۱۳۸۴، *ایران در چهار کهکشان ارتباطی*، نشر سروش، تهران.
- ۲- حکیم آرا، محمدعلی، ۱۳۸۴، *ارتباطات متقاعدگرانه*، نشر سمت، تهران.
- 3- Allen, John, L., 2016, *The Global War on Christians, Dispatches from lines of Anti-Christian Persecution*, Chamber Pub., Briton.
- 4- Bosch, David Jacobus., 1991, *Transforming Mission: Paradigm Shifts in Theology of Mission*. American Society of Missiology, vol. 16. Maryknoll, NY: Orbis.
- 5- Buxton, Thomas Fowell., 1839, *The African Slave Trade*.: London, John Murray. Inc.
- 6- Bonk, Jonathan, 2007, *Encyclopedia of Mission and Missionaries*, Routledge Encyclopedias of Religion and Society., Routledge, New York.
- 7- Borman, Randall B., 2000, "Survival in a Hostile World: Culture Change and Missionary Influence among the Cofán People of Ecuador, 1954–1994." *Missiology* 24/2, (1996).
- 8- Clark Kee. Howard, 1998, "The Context, Birth, and Early Growth of Christianity," in Kee et al., *Christianity: A Social and Cultural History*, 2nd edn. (Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- 9- Comaroff, Jean, and John L. Comaroff., 1991, *Of Revelation and Revolution*, 2 vols, Chicago University of Chicago Press.
- 10- Francis Clark, 1906, *Christian Endeavor in All Lands: A Record of Twenty-Five Years of Progress*, United Society of Christian Endeavor, Philadelphia. Red Pub.
- 11- Gendall, Stephen., 2005 "A Bernard Mizeki Pilgrimage," *The Bridge*, 8. Harper, Susan Billington. *In the Shadow of the Mahatma: Bishop V. S. Azariah and the Travails of Christianity in British India*. Studies in the History of Christian Missions. Grand Rapids, MI: W. B. Eerdmans.
- 12- Gutiérrez, Ramón A., 1990, *When Jesus Came, the Corn Mothers Went Away: Marriage, Sexuality, and Power in New Mexico, 1500–1846*. CA: Stanford University Press., Stanford.

- 13- Hastings.Aderian, 1997, *The Construction of Nationhood: Ethnicity, Religion and Nationalism* ,(Cambridge: Cambridge University Press).
- 14- Hocking, William Ernest, 1939, *The meaning of God in Human Experience*, U.S.A., Yale University. Quoted in Luis N. Rivera Pagán , *A Violent Evangelism: The Political and Religious Conquest of the Americas* , John Knox Press, 1992, Louisville, KY.
- 15- Heather J. Sharkey, 2004, “*Arabic Antimissionary Treatises: Muslim Responses to Christian,Evangelism in the Modern Middle East,*” in Jon Bonk, ed., *Islam and Christianity: Contemporary Mission Insights* ,Overseas Ministries Study Center, New Haven.
- 16- Hefner, Robert W., ed. 1993,*Conversion to Christianity: Historical and Anthropological Perspectives on a Great Transformation*, University of California Press, Berkeley.
- 17- Kedar, B. Z.,1984,Crusade and Mission: European Approaches toward the Muslims.Princeton, NJ: Princeton University Press.
- 18- Olmstead, Earl P. David Zeisberger, 1997, *A Life among the Indians*. Kent, Kent State University Press. OHIO.
- 19- Rivera Pagán, Luis. , 1992. *A Violent Evangelism: The Political and Religious Conquest of the Americas*. Louisville, KY: Westminster/John Knox Press.
- 20- Robert, Dana L., ed., 2003, *African Christian Outreach*, vol. 2: *The Mission Churches* Southern African Missiological Society, Menlo Park, SA.
- 21- Robert, Dana L. ,2009, *St Patrick and Bernard Mizeki: Missionary Saints and the Creation of Christian Communities*. Yale Divinity School Library Occasional Publication19. New Haven: Yale Divinity School Library.
- 22- Sharkey.Heather.J,2004, “*Arabic Antimissionary Treatises: Muslim Responses to Christian Evangelism in the Modern Middle East,*” in Jon Bonk, ed., *Islam and Christianity: Contemporary Mission Insights* (New Haven: Overseas Ministries Study Center).
- 23- Sherwood Eddy,1934, *A Pilgrimage of Ideas; or, the Re-education of Sherwood Eddy* (New York: Farrar & Rinehart).
- 24- Long. Tom, “Vartan Hartunian, 2003, *From Childhood of Horrors, He Forged Hope*, Tander pub., Boston Globe.
- 25- Taylor& Francis Group, 2001, *South Asian History and Culture*, vol.2.,Vrabel pub. Britain.
- 26- Yates, T. E., 2004, *The Expansion of Christianity*, 1st edn. IVP Histories. Downers Grove,IL: InterVarsity Press,
- 27- Walls, Andrew F.,1997, *The Missionary Movement in Christian History: Studies in Transmission of Faith*. Maryknoll, NY: Orbis.
- 28- <<http://digilib.bu.edu/mission/>>. *History of Missiology*, 2024.